بسم الله الرحمن الرحیم

مدرسه‌نمای 20- هفته 4 بهمن 94

## قرآن- خوشگلی‌های واقعی!

بعضی‌ها چنان آشفته و شلخته وارد مسجد می‌شوند که انگار از دهان شیر فرار کرده‌اند! مگر نمی‌دانند که مستحب است بهترین لباس را بپوشند و در اوج آراستگی و زینت وارد مسجد شوند؟ راستی، زینت فقط لباس و عطر است؟

\*\*\*

اصرار داشت طوری از سرکار به خانه برگردد که قبل از اذان برسد و بتواند کمی به سر و وضع خود برسد و تا اذان شد، دست بچه‌ها را بگیرد و به مسجد ببرد. دیگر زبانزد شده بود که او همیشه با بچه‌ها می‌آید. می‌گفتند: این‌ها را چرا می‌آوری؟ خیلی کوچک‌اند.

جواب می‌داد: مگر قرآن نخواندند که می‌فرماید: **يا بَني‏ آدَمَ خُذُوا زينَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ[[1]](#footnote-1)**

گفتند: خب چه ربطی دارد؟ همین‌که تروتمیز می‌آیی، خوب است دیگر.

بازهم پاسخ می‌گفت: زینت را خود قرآن معرفی کرده است: **الْمالُ وَ الْبَنُونَ زينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا[[2]](#footnote-2)**

جواب خوبی بود. مخصوصاً که همیشه برای بچه‌هایش آب‌نبات می‌خرید تا شیرینی مسجد زیر زبانشان باشد.

## روایت- فحش ناموسی!

**هنوز نفر اول دهانش را باز نکرده که چیزی بگوید، دومی چنان زبان به ناسزا می‌گشاید که آدم خجالت می‌کشد. بعد هم که به او اعتراض می‌کنی، می‌گوید: «اول او شروع کرد!»**

\*\*\*

چشم در چشم امام باقر (علیه‌السلام) دوخت و با کمال بی‌ادبی به جای «باقر» به امامی که باقرالعلوم یعنی «شکافنده دانش‌ها» است، گفت: «بقر»، یعنی گاو! امام اما در كمال سادگى فرمود: «نه، من بقر نيستم من باقرم» مسیحی ادامه داد: «مادر تو آشپز بود.» امام جواب داد: «آشپزی شغل او بود» این‌که بد نیست! مسیحی خواست حرف آخر را بزند تا دیگر امام را به خشم آورد. برای همین گفت: «مادرت سياه و بى‌شرم و بدزبان بود.» اما امام بازهم در اوج آرامش پاسخ داد:

**إِنْ كُنْتَ صَدَقْتَ غَفَرَ اللَّهُ لَهَا وَ إِنْ كُنْتَ كَذَبْتَ غَفَرَ اللَّهُ لَك‏[[3]](#footnote-3)**

اگر راست گفتی، خدا او را ببخشد و اگر دروغ گفتی، خدا تو را ببخشاید.

مسیحی مات شد. از این همه بزرگی و بزرگواری به شور آمد و مسلمان شد.

## کلام امام: الان باید خودتان را تهذیب کنید

**شمایی که الان جوان هستید می‌توانید خودتان را تهذیب کنید، اگر پیر شدید، ضعیف می‌شوید نمی‌توانید**. الان قوای شما قوی است و شیطان در شما ضعیف. وقتی سن شما زیاد شد قوای شما ضعیف می‌شود و شیطان در شما قوی، آن‌وقت دیگر نمی‌توانید، شکست می‌خورید. الان باید خودتان را تهذیب کنید.

صحیفه نور، ج5، ص167

## یادداشت- جای خالی نوجوان‌ها

دقت کردید که در فیلم‌ها هم بچه‌های کوچک هستند و هم آدم‌های بزرگ، ولی معمولاً نوجوان‌ها نقش زیادی ندارند؟ حتی برای مسجدها هم که فیلم می‌سازند، نوجوانانش خیلی کم‌اند. در حالی ‌که **اگر خانواده خانه اول بچه‌ها باشد، مسجد دومی‌اش است و بعد نوبت می‌رسد به مدرسه.** پس هم باید فیلم‌ها اصلاح شوند و هم مساجد، چون الآن نوجوانان مدارس خیلی زیادند.

اما چه کسی می‌تواند این کار را بکند؟ کوچک‌ترها و بزرگ‌ترها یا خود نوجوانان؟ **راستی چقدر تلاش کرده‌ای که دوستت را مسجدی کنی؟ آیا برایش تبلیغ هم می‌کنی؟ همین مدرسه نما که الآن به هفته بیست رسیده، شروع خوبی است برای یک آینده شیرین.** بی‌کار ننشین. از همین الان شروع کن که برای خدا یار جمع کنی. از مدرسه و مسجدت شروع کن.

## حکایت: راز

چند کودک با یکدیگر مشغول بازی بودند، ناگهان زنی از دور پیدا شد و کودکی را از آن میان صدا کرد و لحظه‌ای چند با آن کودک نجوا کرد. پس از آنکه کودک بازگشت، هم‌بازی‌های او اصرار کردند که از صحبت او با آن زن مطلع شوند. و به دور او حلقه زدند!

کودک از آن‌ها پرسید: «آیا شما می توانید یک راز مهمی را پیش خود نگهدارید؟!»

همه با صدای بلند فریاد کردند: «آری، آری!»

کودک گفت: «من هم همینطور!»

## لطیفه

پدر: پسرم ميتونم کارنامتو ببينم؟

پسر: نه،کارناممو ندارم

پدر: چرا؟

پسر: دادمش به دوستم، ميخواست باهاش خونوادشو بترسونه!

دانشمندان متعقدن که مغز انسان فقط به ابتدا و انتهای کملات توجه مکینه برای همنیه که شما الان6 تا کلمه رو اشتباه خوندید!

## احکام: دست زخمی (2)

تو فوتبال، افتاده زمین و دستش زخمی شده و به ناچار باندپیچی کرده. حالا وقت نماز رسیده و می‌خواد وضو بگیره. **در این صورت اگر آب برایش ضرر ندارد و باز کردن روی زخم برایش زحمت ندارد، باید آن را باز کند و وضو بگیرد.**

متن دقیق رساله:

اگر روى دمل يا زخم يا شكستگى بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممكن است و زحمت و مشقت هم ندارد و آب هم براى آن ضرر ندارد، بايد روى آن را باز كند و وضو بگيرد.

رساله امام خمینی، مسئله 327

## کتاب خوب: اگر بابا بمیرد

ناشر: سوره مهر

نویسنده: محمدرضا سرشار (رضا رهگذر)

تعداد صفحات: 32

قیمت: 1500 تومان

این داستان روزهای سرد زمستان را به تصویر می‌کشد که یکریز برف می‌بارد و روستا تا کمرکش دیوارها در برف فرورفته است؛ به شکلی که نه کسی می‌تواند به ده وارد شود و نه کسی خارج از ده شود. همه اهالی در خانه‌ها زیر کرسی مانده‌اند. در این روزهای سخت و طاقت‌فرسا، پدر اسماعیل سینه پهلو می‌کند و در بستر بیماری می‌ا‌فتد. پزشک نسخه‌ای برایش می‌نویسد و چون بیماریش کهنه شده، می‌گوید که به این زودی‌ها خوب نمی‌شود اسماعیل با همراهی دوستش برجعلی با گاری به سلامت به شهر می‌روند، اما هنگام بازگشت حوادث هولناکی برایشان اتفاق می‌افتد و...

## چیستان: حلزون و چاه

حلزونی داخل چاهی به عمق 20 متر افتاده است. حلزون سعی می‌کند از دیواره چاه بالا برود و از آن خارج شود. هر روز این حلزون می‌تواند 5 متر بالا برود، اما شب هنگام، به خواب رفته و 4 متر به پایین سر می‌خورد. چند روز طول می‌کشد که این حلزون از چاه خارج شود؟

پاسخ:

16 روز طول می‌کشد. زیرا:

روز اول حلزون 5 متر بالا رفته و 4 متر پایین می‌آید. اکنون در ارتفاع 1 متری است.

روز دوم به ارتفاع 6 متری رسیده و تا ارتفاع 2 متری، پایین می‌آید.

روز سوم تا ارتفاع 7 متری بالا رفته و تا ارتفاع 3 متری، پایین می‌آید.

به همین ترتیب تا روز پانزدهم که تا ارتفاع 19 متری بالا رفته و تا ارتفاع 15 متری پایین می‌آید.

در نهایت، روز شانزدهم 5 متر بالا رفته و به لبه چاه می‌رسد و از آن خارج می‌شود.

## دانستنی‌ها: آیا می‌دانید آب جوش زودتر از آب سرد یخ می‌زند؟

در سال ۱۹۶۳، یک دانش‌آموز تانزانیایی به نام امپمبا، به همراه دانش‌آموزهای دیگر مراسمی تدارک دیده بودند و می‌خواستند بستنی درست کنند. برای درست کردن بستنی، همانطور که می‌دانید شیر جوشیده شده‌ای که به آن شکر اضافه شده، باید یخ بزند.

امپمبا هم منتظر بود که ظرف شیر و شکرش سرد شود تا بتواند آن را داخل یخچال بگذارد. اما او عجله داشت و از طرفی می‌دید که اگر زود نجنبد، دانش‌آموزهای دیگر زودتر از او ظرف‌هایشان را در یخچال می‌گذارند و جایی برای ظرف او باقی نمی‌ماند. به همین علت ظرف سرد نشده‌اش را در یخچال گذاشت. اما او در کمال تعجب مشاهده کرد، که زودتر از دانش‌آموزهای دیگر که ظرف شیر و شکر سرد را در یخچال گذاشته بودند، موفق به تهیه بستنی شده است!

مدتی بعد، یک استاد فیزیک به نام دکتر آزبورن از دبیرستان امپمبا بازدید کرد، امپمبا از او ماجرا را پرسید و آزبورن به همراه دستیارش آزمایش را تکرار کرد و به همان نتیجه امپمبا رسید. سرانجام در سال ۱۹۶۹، مشاهدات امپمیا و دکتر ازبورن به چاپ رسید و پدیده زودتر یخ زدن آب گرم، به اثر امپمبا، موسوم شد.

##  کاریکاتور: سرپا!



## سوالات

1. (قرآن) زینت خوبی که انسان باید با خود به مسجد ببرد چیست؟
	* عطر
	* فرزندان
	* پول
2. (روایت) در مقابل کسی که فحش ناموسی می‌دهد چه باید کرد؟
	* باید با فحشی بدتر جوابش را بدهیم.
	* باید با روی باز اجازه دهیم هر چه دلش خواست بگوید و حتی تشویقش هم بکنیم.
	* باید بگوییم: اگر راست گفتی، خدا او را ببخشد و اگر دروغ گفتی، خدا تو را ببخشاید.
3. (یادداشت) برای جبران جای خالی نوجوان‌ها در مساجد چه باید کرد؟
	* خود نوجوانان باید تبلیغ کنند و دوستان‌شان را بیاورند.
	* باید با تعداد بیشتری از کودکان جای آن‌ها را پر کرد.
	* مسجد که جای بچه‌ها نیست، باید فقط پیرمردها به مسجد بروند.
4. (احکام) اگر دست زخمی و باندپیچی شود، آنگاه چگونه باید وضو گرفت؟
	* اگر آب ضرر ندارد و باز کردن روی زخم سخت نیست باید روی زخم را باز کرده و وضو گرفت.
	* در هر صورت باید تیمم کرد
	* اگر آب ضرر ندارد، باید روی قسمت زخم را از روی پارچه دست تر کشید.
1. اعراف،31: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید. [↑](#footnote-ref-1)
2. کهف،46: مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست. [↑](#footnote-ref-2)
3. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏46، ص: 290 [↑](#footnote-ref-3)